

شنبه اول بهمن ماه ۱۴۰۱

نشست سیزدهم فقه پزشکی؛ پرونده هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا و قائدا و ناصرًا و دليلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

پاسخ به چند سوال

گاه برخی مسائلی که رخ می دهد از این سنخ هست که مثلا پزشکی خائن به یک تزریقاتی دستور می دهد که مثلا فلان آمپول مضر را تزریق کن و شخصی را از بین ببر یا حکومتها که مخالفان خود را گاه به این شیوه از بین می برند.

سوال این است که آیا فاصله افتادن بین سبب و تحقق مرگ تغییری در مساله ایجاد میکند؟

فاصله بیفتد بین آمپولی که فرد تزریق می کند تا از پا افتادن طرف....

یا مثلا کسی سمی از طریق غذا به کسی داده و آرام آرام ظرف پنج سال این سم اثر خود را گذاشته و فرد را بالاخره بعد این تاریخ از پا در آورده است.

یا این رزمنده هایی که شیمیایی شده اند بعد چند سال فوت می کنند...

سوال خوبی است: فاصله زمانی بین سبب و تحقق پدیده

مقاله ای بنده در این باره دارم که سال ۹۱ چاپ شده در فقه اهل بیت شماره ۷۰ و ۷۱ تابستان و پاییز ۹۱ عنوان مقاله هست: معیار ضمان

مقاله موضوعی مرتبط با بحث ما که میتواند خواندنی و مفید باشد.

سوال این است که معیار چیست؟ تقصیر، تجاوز و تعدی؟ یا نه... معیار استناد است؟

ما در آن مقاله می خواهیم بگوییم معیار استناد است.

نهایتا گفتیم معیار استناد است لذا سبب و مباشر و... گفتیم که این ها موضوعیت ندارد.

بعد آن مقاله این سوال مطرح می شود: آیا فاصله زمانی می تواند معیار باشد؟

مثلا از وقت ورود سم تا یک سال؟... یا نه... هر چه می خواهد باشد.

سوال دوم مخصوصا سوال شده که تا یکسال چطور؟ فاصله زمانی بین تحقق سبب و مرگ....؟

در یکی از پرونده ها: پرونده مرگ مغزی بود؛ روایات مختلفی مطرح شد؛

الان بسیاری از بچه هایی که زمانی جبهه بودند و شیمیایی شدند فوت می کنند؛ فرض کنید این ها زمان شیمیایی شدن بیست و یا سی سالشان بود الان سی و اندی سال گذشته است الان مثلا هفتاد سال دارد... و طرف فوت می کند ممکن است اگر شیمیایی نشده بود پنج یا ده سال دیگر هم زندگی می کرد، سوال این است که آیا ما این ها را حکم قتل بر این ها بار کنیم؟

یا مثلا کسی در بیمارستان به خاطر خطای یک پزشک باعث شد که مرگ او تسریع یابد؛ این گونه موارد چه حکمی دارد؟

البته در فاصله زمانی یک سال؛ بین تاثیر سبب و مرگ، روایاتی مرتبط هست.

در این باره مواد قانونی هست از جمله ماده ۴۹۳:

وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست؛ مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است؛ (اگر عمد باشد، قصاص اگر هم شبهه عمد باشد، دیه) حکم این ماده و ماده ۴۹۲ این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است.

به عبارتی قانون گذار می گوید من مثال زدم نه انحصار

در واقع ماده ۴۹۳ دقیقا سوال امروز ما را جواب می دهد؛

سوالی از مرکز تحقیقات قوه قضاییه شده است:

با توجه به این که بیماری ایدز، از جمله بیماریهایی است که فوراً کشنده نیست و بر اثر مرور زمان و ضعف قوای دفاعی بدن موجب مرگ می شود اگر کسی عمدا دیگری را به بیماری ایدز مبتلا کند، بفرمایید در ایامی که بیمار زنده است، سرایت دهنده بیماری مرتکب چه جرمی شده است؟

مرحوم آقای اردبیلی معاصر: اگر فوت به سبب این بیماری باشد، اما بیماری پس از مدت بسیار طولانی - مثلا پس از چند سال - فوت کند به نحوی که تشکیک در قاتل بودن این شخص بشود و بگویند عمر فرد کوتاه شده؛ مثلا کسی که صدمه بر عضو او وارد شود، اگر وارد نمی شد، ده سال عمر می کرد، حالا هشت سال عمر کرده است؛ مساله محل تامل است، باید مصالحه شود.....

سوال این است که این سید محترم چه می خواهد بگوید؟

مشکل این استفتا این است: ایشان می گوید اگر فوت به سبب این بیماری باشد، اما بیمار پس از مدت طولانی فوت کند به نحوی که تشکیک در قاتل بودن شخص شود، بحث این است که تشکیک نمی شود، بالاخره قاتل بوده است. و بلافاصله بگویند عمر فرد کوتاه شده است.

ده سال عمر می کرد شده هست سال؛ این در واقع تشکیک در قتل نیست....

ما جریانی را پارسال مطرح کردیم به نام جریان یک سال؛ که بسیاری از جاها آمده است که معیار یک سال است و صبر قانون گذار یکسال است...

مثلا ما در مبحث ستون فقرات و آسیبی که به آن وارد می شود، ماداریم چنان که بهبود پیدا کند، این مقدار و اگر بهبود پیدا نکند این مقدار باید پرداخت شود، فرض کنید کسی تصادف کند و ستون فقرات او هم آسیب ببیند، هست که اگر بهبود پیدا کرد، یک دهم و اگر بهبود پیدا نکرد باید دیه کامل را پرداخت... برخی وقتها هست کسی بهبودی کامل به دست نمی آورد و کمر او خمیده می شود بعد آسیبی به آن وارد می شود.

جالب است بدانید قانون گذار ما زمان بهبود را بیان نکرده است.

مصوب سال ۷۰ را نگاه کنید زمان بهبود را لحاظ نکرده است.

ما در پیشنهادی که بعد آن دادیم سوال کردیم: آیا بهبودی زمان و معیار ندارد؟

برخی وقتها کارشناس هم نمیتواند درست تشخیص دهد یا این که ممکن است اختلافی باشد....

در بسیاری از روایات، بحث یک سال مطرح است که امام علیه السلام می فرمایند:

در روایت سلیمان بن خالد یک بخشی این است: سألته عن العین (از امام علیه السلام راجع به چشم سوال کردم که صاحبش ادعا می کند من نمی بینم؛ فلانی به چشم من زد و من نمی بینم امام می فرمایند: یؤجل سنة... بعد قسم بخورد که من نمی بینم و بعد دیه را به او می دهند. بعد سائل از امام می پرسد اگر شخص نابینا بعدا بینا شود، چه می شود؟

امام فرمودند: هو شیء اعطاه الله اياه

در بحث چشم، کمر و ستون فقرات یا در بحث گوش، در بحث دندان، در بحث یک نفر به شکم زنی می زند و او هم رحمش به هم می ریزد، و از بین می رود که امام علیه السلام به مدت یکسال اشاره می کنند؛ یا یک نفر آب جوش بر سر کسی می ریزد، فذهب شعره.... ویا قبلی هم آمده اگر: ان اسودت السن... الی الحول

آنچه با تامل و تتبع بدست می آید اینکه ما قانونی کلی نداریم که بتوانیم تنقیح مناط کرده و بگوییم: مدت انتظار در شریعت یک سال است.

البته این به خود مجتهد یا فهمنده نص مرتبط است، ممکن است کسی مثلا کار کند و بگوید من تنقیح مناط نمی کنم.

فقهایی که از چندین نص به این نتیجه می رسند و فقهایی که نمی رسند، فقهای قاعده گرا و فقهای ضد قاعده گرایی نمیرسند در موارد متعدد به یک قانون.

به هر حال تفاوتی که هست این که ممکن است عده ای روی کلمات جمود کنند و قانونی هم اصطیاد نکنند و بالعکس برخی براساس فهمی که از نصوص به دست می آورند به یک قاعده کلی میرسند.

نسبت به ضمان سببیت آقای نایینی معتقد است که مستلزم پیدایش فقه جدید است!!

دیگرانی هم ممکن است این سخن را نقد کنند.

اگر این مورد را دنبال کنید ، بحث زیبایی می شود، اگر هم به یک پایان نامه تبدیل کنید ، بسیار کار زیبایی خواهد بود.

مجموعاً به نظر ما فاصله افتادن فی نفسه تاثیری ندارد. ولی چهل سال بعد اثر بگذارد اشکال ندارد باز هم به همین معتقدیم.

منتها یک چیز هست و آن را نمی توانیم انکار کنیم ، وقتی فاصله زیاد می شود، تشخیص کارشناس سخت می شود. که به نظر من آقای اردبیلی هم همین را می خواهد بیان کند.

ایشان می خواست بگوید اگر فاصله زیاد شود برخی وقتها ایجاد شک می کند، مخصوصاً وقتی مریض پرونده نداشته باشد، ولی وقتی پرونده داشته باشد ،مثلاً سال ۶۶ شیمیایی شده رفته بیمارستان ، از آن روز دیگر مریضی خاصی هم نداشته این می تواند مبنا قرار گیرد.

به نظر شما در مبحث کوتاه کردن عمر فرد، چه باید گفت؟ اگر استناد را زیر سوال ببرد ما چیزی به نام کوتاه کردن عمر نداریم. بالاخره این آدم کاری انجام داده و این کار این آدم را کشته است. ...

هفته آینده بحثی هست که بسیاری از دادگاه ها درگیرند و آن بحث ازاله بکارت است؛ اولاً ازاله بکارت ضمان دارد یا ندارد؟

وسوال بعد اینکه اگر زن راضی باشد داستان چه حالتی دارد؟

اگر ازاله بکارت به غیر مقاربت مرد باشد مثلاً با انگشت باشد چه حالتی دارد؟

برخی ازاله بکارت ها سطحی است و بعد مدتی ترمیم پیدا می کند، این چه می شود؟ آیا همچنان ضمان باقی است؟

یا ازاله بکارتی که ترمیم شده آیا این کار درست است یا نه ،اجرت پزشک در این باره چه حکمی دارد؟
دوستان این موارد را کار کنید.